

باید به دولت گفت که اعمال حاکمیتی حق شما و حتی تکلیف شما است و باید این کار را انجام دهید؛ اما نمی‌توانید از توابع عمل خودتان و از آثار آن عمل فرار کنید؛ باید پاسخگو باشید! هر کاری وظیفه‌تان بوده، انجام داده‌اید و درست هم است کسی خدشه‌ای بر آن نمی‌کند؛ اما در مقابل باید پاسخگوی خسارات عمل خود باشید.

اگر در نتیجه تصمیمات اشتباه دولت در سطح داخلی خسارتی به بار آید و در نتیجه باعث شیوع آن ویروس و افزایش مرگ‌ومیر و در پی آن هزینه‌های درمانی به افراد تحمیل شود، دولت باید پاسخگو باشد. نمی‌خواهیم بگوییم دولت در حقیقت به عمد کاری کرده یا مقصر است، اصلاً بحث تقصیر را باید کنار بگذاریم؛ دوره مسئولیت دولت بر اساس تقصیر دیگر

سنگ را در نظام حقوقی بر سر راه مسئولیت مدنی دولت گذاشته است. این دو مانع هر دو قابل نقد است؛ نخست اینکه دولت باید در سطح داخلی هم مسئولیت‌پذیر باشد؛ یعنی نمی‌تواند بگوید کارمند به من ربطی ندارد و به این عنوان از مسئولیت‌رهایی یابد؛ بنابراین بر طبق اندیشه‌های جدید دولت باید مسئولیت کارمند را بپذیرد.

در حوزه دوم هم به‌رغم اینکه اعمال حاکمیتی به مصلحت مردم است و برای مصلحت اجتماع دارد انجام می‌شود، امروزه عمده حقوق‌دان‌ها معتقدند حتی دولت نمی‌تواند در اعمال حاکمیتی از مسئولیت‌رهایی یابد و بگوید من برای منافع جامعه کار کرده‌ام؛ درست است که کار کرده‌اید، اما باید خسارت وارده را جبران کنید.

که بر اساس آن، سیاست‌گذاری‌هایی در زمینه ایمنی زیستی انجام شود و بعد وزارتخانه‌های مختلفی را در زمینه‌های مختلف مسئول می‌داند؛ مثلاً «تبصره ۴، ماده ۳» قانون ایمنی زیستی، وزارت جهاد کشاورزی را در امور مرتبط با تولیدات بخش کشاورزی و منابع طبیعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در امور مرتبط با ایمنی و سلامت مواد غذایی، آرایشی، بهداشتی و مواد پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست را در امور مرتبط با حیات وحش و بررسی ارزیابی مخاطرات زیست‌محیطی بر مبنای مستند علمی ارائه‌شده توسط متقاضی در حقیقت به نوعی مسئول و مکلف کرده که در مقابل تهدیدهای زیست‌محیطی اقدامات لازم را انجام دهند و شورایی را پیش‌بینی نموده است.

**در حوزه حقوق داخلی باید قائل بود به اینکه مواد تصویب شده بعد از قانون مسئولیت مدنی، مثل اصل ۴۰ که می‌گوید هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خود را به وسیله اضرار به غیر قرار دهد؛ فوق‌العاده قابل استناد است؛ یعنی شاید این اصل یکی از مترقی‌ترین و بهترین اصول قانون اساسی باشد، چون قانون اساسی را معمولاً در حوزه حقوق عمومی بررسی می‌کنیم...**



گذشته، نمی‌خواهیم دولت را نقد کنیم و بگوییم چرا این کار را کرده‌اید، شاید خیلی از اعمالش حتی از نظر تصمیم‌گیری درست باشد؛ اما حتی آن عمل درست اگر موجب ورود ضرر به کسی شود، آن شخص باید بتواند حتی در اعمال حاکمیتی خسارت مطالبه کند. می‌خواهم پرونده معروف هموفیلی‌ها را یادآوری کنم که سازمان انتقال خون شاید به آن معنا تقصیری نداشت؛ اما گامی برداشت و دادگاه سازمان انتقال خون را به‌عنوان زیرمجموعه دولت برای انتقال ویروس HIV و هپاتیت به بیماران هموفیلی که در نتیجه تزریق خون‌های آلوده ایجاد شد، مسئول شناخت؛ یعنی مصونیت دولت را کنار زد و دولت را مسئول دانست.

پس قانون مسئولیت مدنی ماده ۱۱ و آنچه باید

با ماده ۱۱ چه باید کرد؟ در حوزه حقوق داخلی باید قائل بود به اینکه مواد تصویب شده بعد از قانون مسئولیت مدنی، مثل اصل ۴۰ که می‌گوید هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خود را به وسیله اضرار به غیر قرار دهد؛ فوق‌العاده قابل استناد است؛ یعنی شاید این اصل یکی از مترقی‌ترین و بهترین اصول قانون اساسی باشد، چون قانون اساسی را معمولاً در حوزه حقوق عمومی بررسی می‌کنیم؛ اما در حوزه حقوق خصوصی این اصل پیشرفت فوق‌العاده‌ای است و مبنای فقهی دارد و یکی از نتایج قاعده لاضرر در فقه است و می‌تواند مبنایی باشد. دولت حق اعمال حاکمیت دارد؛ بسیار عالی، اما هیچ‌کس نمی‌تواند (برطبق قانون اساسی که از قانون عادی بالاتر است) اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر قرار دهد.

دوم، سطح مسئولیت مدنی دولت است که در «قانون مسئولیت مدنی ماده ۱۱» اختصاص پیدا کرده است. در این ماده مسئولیت مدنی مبتنی بر تفکر سنتی مصونیت دولت‌ها است. دو مشکل عمده برای مسئولیت مدنی هست؛ دولت نخست اینکه به یقه کارمند چسبیده و به نوعی اصل را بر مسئولیت کارمند گذاشته، مگر اینکه ثابت شود ناشی از نقص وسایل آن اداره بوده است؛ دوم اینکه در مورد اعمال حاکمیتی، اساساً مسئولیت‌ها را هم برداشته است و می‌گوید در امور حاکمیتی مسئولیتی وجود ندارد. در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون اقداماتی به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. قانون‌گذار این دو مشکل و دو